

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات
۱۹	سعادت انسان در اندیشه امام سجاد(ع)
۴۷	بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم و نقد آن
۶۵	آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و فارابی
۸۳	اقدامات اقتصادی امام حسن عسکری(ع) جهت کسب درآمد
۱۰۵	فوائد فلسفه فقه
۱۲۱	راهکارهای گسترش حجاب در جامعه
۱۴۵	عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات
۱۶۹	مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل
۱۸۵	آزادی، انواع و حدود آن از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی
۲۲۵	غلبه دین حق بر تمام ادیان
۲۴۹	جریان شناسی تفسیر عرفانی در اندلس

حفیظ الله اصغری^۱

چکیده

آزادی از طبیعی‌ترین حقوق انسانی است که همراه خلقت انسان به وی داده شده است. در مکاتب مختلف از آزادی تفسیرهای گوناگون شده است. اما تحقیق حاضر آزادی را در اندیشه امام خمینی و فارابی مورد بررسی قرار داده است که هر دو اندیشمند پرورش یافته یک مکتب (اسلام) می‌باشند. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که به رغم پرورش یافتن هر دو اندیشمند اسلامی در مکتب واحد، اما یافته‌ها از اختلاف نظر این دو متفکر اسلامی حکایت دارد. در آثار امام خمینی (ره) از آزادی مستقیم بحث شده است اما در اندیشه فارابی اگرچه از آزادی به صورت مستقیم بحث نشده است ولی از آثار ایشان قابل استنباط می‌باشد. امام خمینی (ره) در مورد تمام شهروندان حتی اقلیت‌ها قائل به آزادی بیان و عقیده در تعیین سرنوشت خود می‌باشد اما خرابکاری را ممنوع می‌داند. فارابی اجبار را از افعال اختیاری نفی می‌کند، ایشان در فعل خیر، فقط برای آزاده‌ها آزادی قائل است و در طرح مدینه فاضله، آزادی را از آن رئیس فقط می‌داند نه عامه مردم.

واژگان کلیدی: آزادی، اندیشه، امام خمینی، فارابی

۱. دانش آموخته حوزه علمیه، ارشد فقه سیاسی، PHD قرآن و علوم گرایش مدیریت.

۱. مقدمه

آزادی یکی از آرمان‌های جامعه بشری به حساب می‌آید و طبیعی‌ترین حقوق انسان است که از ابتدای خلقت به او داده شده است و کمال انسان در بستر آن تحقق می‌یابد. با توجه به ایدئولوژی مخصوص مکاتب مختلف، در ادبیات سیاسی، از آزادی تفسیرها و برداشتهای متفاوت ارائه شده است، اختلاف در برداشت از «آزادی» به اختلاف به مبانی فکری اندیشمندان مکاتب گوناگون بر می‌گردد، هر یک از اندیشمندان با توجه به تفکر، اندیشه، و مبانی فکری در مکاتب مختلف که دارند از آزادی تفسیرها و برداشتهای متفاوتی ارائه کرده‌اند که از حوزه بحث در این تحقیق خارج است، پژوهش حاضر دیدگاه دو دانشمند اسلامی (امام خمینی و فارابی) را در مورد آزادی مورد بررسی قرار داده است که هر دو متفکر، دارای یک اندیشه و باور دینی می‌باشند، هر دو اندیشمند در مکتب اسلام پرورش یافته‌اند و مبانی فکری و اندیشه دینی‌شان یکی می‌باشند، از این جهت بررسی آزادی در اندیشه این دو اندیشمند اسلامی حایز اهمیت می‌باشد. از آن جهت که از «آزادی» در حوزه‌های مختلف معانی گوناگون ارائه شده است، شایسته است برای فهم دقیق آن ابتدا کلمه «آزادی» تعریف شود.

۲. مبانی نظری

۱-۲. تعریف آزادی

مفهوم «آزادی»، از واژگانی است که اندیشمندان و نظریه‌پردازان، تعبیرها و برداشتهای گوناگون و در عین حال مشترکی از آن ارائه داده‌اند. در این تحقیق ضمن ارائه تعریف شفاف از «آزادی»، آزادی در اندیشه امام خمینی و فارابی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲. تعریف لغوی و اصطلاحی

آزادی در زمان‌های مختلف فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده است و در هر دوره معنای خاصی به خود گرفته است، اما به طور کلی، آزادی در لغت به معنی

رهایی از هر قید و تعلقی است که انسان را از لحاظ جسم و جان محدود می‌کند. (دهخدا، 1364، 1، 77)

البته این مفهوم در حوزه آثار جامعه‌شناختی، سیاسی، عرفان، شریعت و... معنا و اصطلاح خاص خود را دارد. در حوزه سیاسی از آزادی تعریف‌های زیر ارایه شده است:

- منظور از آزادی سیاسی، به طور ساده عبارت است از آزادی در انجام دادن انواع کارهای مختلفی که حکومت مردمی اقتضا می‌کند. این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آن‌ها، شهروند بتوانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد. (کارل کوهن، 1374، 184)

- آزادی سیاسی، یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود، از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی، سیاسی و اجتماعی کشور نایل آمده و یا در مجامع آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید. (طباطبانی مؤتمنی، 1370، 96).

- آزادی‌های سیاسی، مجموعه امتیازاتی است که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند. این امتیازات به صورت حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت اندیشه‌ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زمامداران) متظاهر می‌شود. (هاشمی، 1374، 1، 169)

- آزادی سیاسی، قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن، می‌توانند حق حاکمیت داشته باشد؛ خواه بطور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان. (جعفری لنگرودی، 1363، 31)

- آزادی‌های عمومی، آزادی‌هایی است که به عنوان وسیله‌ای برای مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت تلقی می‌شود. با تضمین این آزادی‌ها، دولت نمی‌تواند به حقوق افراد تجاوز کند و در صورت تجاوز، مردم با استفاده از این حقوق به مقاومت بر می‌خیزند. (رحیمی، 1357، 190)

- آزادی سیاسی، آزادی فرد در صحنه سیاست و به بیان دیگر، فقدان فشار سیاسی است. (منتظر قائم، 1375، 100)

اگرچه تعاریف مذکور متفاوت است؛ اما می‌توان با دقت در این تعاریف، عناصر مشترک آزادی سیاسی را بیان کرد. مهمترین این عناصر عبارتند از: اعمال حق حاکمیت و زمینه‌سازی مشارکت فعال سیاسی در جامعه.

آزادی سیاسی از سویی، اعمال حق حاکمیت مردمی بوده و از سوی دیگر، زمینه‌ساز مشارکت سیاسی مردم در جامعه و تأثیرگذاری آنان در حیات سیاسی جامعه است. مردم در جامعه با دارا بودن آزادی سیاسی می‌توانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم حق حاکمیت خود را اعمال نمایند. از طرف دیگر، مردم از راه انتخاب زمامداران و از طریق شرکت در مجامع، می‌توانند در زندگی سیاسی خود شرکت جویند. آزادی سیاسی، وصف فرد در جامعه است که این حالت، در صورتی رخ می‌دهد که فرد بتواند در جامعه به ایفای نقش پرداخته و در مسایل سیاسی کشور خود تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، شاید بتوان در مفهوم آزادی سیاسی، عنصر دیگری را نیز بیان کرد. این عنصر، عبارت است از فقدان فشار و اجبار سیاسی از سوی حکمرانان در جامعه. آزادی سیاسی در صورتی تحقق پیدا می‌کند که این امتیازات از سوی حکومت به افراد داده شده و زمینه حضور و مشارکت آن‌ها فراهم شود. بدیهی است، در صورتی که حکومت این امتیازات را به رسمیت نشناسد، دیگر آزادی سیاسی تحقق پیدا نمی‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت که آزادی سیاسی از دو عنصر محتوایی اعمال حق حاکمیت و مشارکت سیاسی مردم در جامعه و یک عنصر صوری و فعلی؛ یعنی فقدان فشار سیاسی برخوردار است. به عبارت دیگر، مفهوم آزادی سیاسی متشکل از دو عنصر مذکور است و تحقق این مفهوم در جامعه، مشروط به فقدان فشار سیاسی در آن جامعه است.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان آزادی سیاسی را به اختصار اینگونه تعریف کرد:

آزادی سیاسی عبارت است از آزادی فرد در جامعه سیاسی در اثر فقدان فشار سیاسی در جامعه، به منظور اعمال حق حاکمیت مردمی و مشارکت فعال سیاسی در جامعه.

۳. آزادی در اندیشه امام خمینی

امام خمینی در مورد تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزام‌شان نمی‌کند که شما باید حتماً... این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزام‌تان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی... آزادی یک چیز واضحی است». (خمینی، 1385، 10، 94 و 95) در جای دیگر می‌گوید: آزادی مال مردم است و اعطا کردنی نیست. (همان، 3، 406)

امام خمینی (ره) ضمن پذیرش آزادی و جانب‌داری از آزادی، به خصوص آزادی‌های سیاسی اجتماعی، به مثابه یکی از حقوق فطری و طبیعی مردم در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، از جمله حقوق غیراکتسابی، می‌شمارند؛ زیرا آزادی از مقوله حقوق موضوعی نیست تا انسانی به انسان دیگر اعطا کند؛ بلکه بخشی از طبیعت آدمی و از جمله حقوق طبیعی اوست، حتی اگر دولت و حکومت آن را به رسمیت نشناسد. در عین حال، جامعه به منظور حفظ ارکان خود و تأمین نظم و امنیت، می‌تواند حدود، شرایط و قیودی در استفاده از آزادی مقرر نماید؛ اما ایجاد تزلزل در اساس و پایه آن از حدود صلاحیت دولت، حکومت و جامعه بیرون است. کوتاه سخن آنکه، آزادی در ذات انسان است و انسان به اقتضاء انسانیت خویش آزاد و آزادی طلب است.

یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه اندیشه سیاسی امام خمینی «آزادی‌های سیاسی» است که به رغم اهمیت بسیار زیادش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقایسه این بعد از اندیشه سیاسی امام با سایر ابعاد اندیشه سیاسی وی، نمایانگر آن است که بحث آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام هم‌چنان در حاشیه قرار گرفته و بحث‌های جدی درباره آن انجام نشده است. از این رو، در این نوشتار به مفهوم، عناصر و مصادیق آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام به اختصار اشاره می‌کنیم.

هر چند که امام خمینی (ره) به طور کلاسیک و مدون، به بحث آزادی سیاسی نپرداخته است؛ اما کلام و نقطه نظرات ایشان در این باره به اندازه‌ای است که به

خوبی می‌توان بر اساس آن‌ها، به دیدگاه وی پی برد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه پیش شرط تحقق آزادی‌های سیاسی در جامعه، وجود «حکومت قانون» در آن جامعه و «تساوی افراد در برابر قانون» است و از آنجایی که امام بر اصل «حکومت قانون» و «تساوی افراد در برابر قانون» تأکید کرده و حکومت اسلامی را مشروط به رعایت قوانین اسلامی دانسته و افراد جامعه را در برابر این قانون یکسان می‌انگارد؛ لذا بستر مناسبی برای طرح آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام وجود دارد. بر این اساس، با تکیه بر این دو نکته، تلاش می‌کنیم دیدگاه امام در باره آزادی‌های سیاسی را تبیین نماییم. این مهم می‌طلبد که آزادی و حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و آزادی مذهب در اندیشه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱. آزادی و حق تعیین سرنوشت

یکی از مهمترین حقوق اساسی مردم در جامعه، حق تعیین سرنوشت است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم می‌باشد که به موجب آن، هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند. (خمینی، ۱۳۶۱، ۳، ۲۰۴) یکی از نکات بسیار مهم در دیدگاه امام، رابطه الهی داشتن مشروعیت در نظریه ولایت فقیه و نقش مردم در حاکمیت است. امام از سویی معتقد است که مشروعیت ولایت فقیه الهی بوده و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، بر نقش مردم در حاکمیت تأکید نموده است. براساس دیدگاه امام، مشروعیت حکومت و حاکم اسلامی، صرفاً الهی است و مردم تنها در کارآمد ساختن حکومت و کشف ولی منصوب نقش دارند:

«از دیدگاه ولایت انتصابی، مشروعیت حکومت ولی فقیه ناشی از نصب امامان (ع) است و مردم در تفویض ولایت به او هیچ گونه اختیاری ندارند؛ اما در کارآمدی حکومت نقش اصلی [را] دارند. بیعت گرفتن پیامبر (ص) و امامان (ع) از مردم نیز برای کارآمد کردن ولایت‌شان است نه برای انتصاب آنان». (منتظر قائم، ۱۳۷۵، ۱۰۰)

به نظر می‌رسد که بتوان از زاویه دیگری نقش مردم در حکومت اسلامی را بر اساس دیدگاه امام با تفکیک «محتوا سازی» و «ساختار سازی» تبیین کرد. از دیدگاه

امام، محتوا و ماهیت حکومت اسلامی توسط قانون الهی شکل می‌گیرد و مردم در این مسأله نقشی ندارند؛ اما در ساختن ساختار مناسب حکومت، رأی مردم نقش اصلی را ایفا می‌کند و بدین‌سان، مفهوم جمهوریت و اسلامیت نیز در دیدگاه امام آشکار می‌گردد. امام، جمهوریت حکومت را براساس رأی مردم و اسلامیت آن را براساس قانون الهی می‌داند. از این‌رو، در پاسخ به سؤالی درباره نظام جایگزین شاهنشاهی در ایران، ضمن معرفی آن به عنوان «جمهوری اسلامی» در توضیح این اصطلاح می‌فرماید:

«اما جمهوری است، برای اینکه به آرای اکثریت مردم متکی است و اما اسلام، برای اینکه قانون اساسی اش عبارت [است] از قانون اسلام، اسلام در همه ابعاد قانون دارد و به همین جهت، احتیاج به قوانین دیگری نداریم». (خمینی، 1361، 4، 21)

با توجه به آنچه که گذشت، روشن می‌شود که علاوه بر کارآمدی، می‌توان از نقش مهم دیگری برای مردم از دیدگاه امام سخن گفت که عبارت است از: «ساختار سازی». امروزه اهمیت ساختارها و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در زندگی کاملاً آشکار است. مردم می‌توانند با تعیین ساختارها، در سرنوشت خود نقش اساسی ایفا نمایند. و با توجه به این مطلب است که آزادی به عنوان یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی، قالب خودش را در جمهوریت پیدا می‌کند.

۲-۳. تبیین حدود آزادی بیان

یکی از نکات بسیار مهم در زمینه آزادی، بحث از حدود آزادی بیان است. اصل آزادی بیان مورد پذیرش بیشتر دانشمندان و صاحب نظران بوده و بیشتر از حدود آن، در جامعه سخن رفته است. در «حقوق اساسی» نیز امروزه بیشتر از حدود آن سخن می‌رود:

«آنچه در آزادی بیان اهمیت بسیار دارد، تشخیص حدود آن است. توهین و افتراء، شکستن حریم خلوت و تنهایی افراد، تجاوز به حقوق دیگران، افشاء اسرار دولتی، انتشار نوشته‌ها و صور قبیح و کفر و ناسزاگویی به مقدسات و تجاوز به حقوق اقلیت‌ها، نمونه‌هایی از تعدی به حقوق جامعه است». (بوشهری، 1376، 33)

از دیدگاه امام خمینی آزادی بیان تا جایی قابل احترام است که منجر به توهین و افتراء، شکستن حریم خلوت و تنهایی افراد، تجاوز به حقوق دیگران، افشاء اسرار دولتی، انتشار نوشته‌ها و صور قبیح و کفر و ناسزاگویی به مقدسات و تجاوز به حقوق اقلیت‌ها نشود.

امام خمینی، یکی از مهمترین موانع آزادی بیان، را «مضر بودن» آن به منافع و حال ملت می‌داند. طبق دیدگاه حضرت امام (ره) اگر بیان يك مطلب و دیدگاه در راستای منافع ملت نبوده، بلکه مضر به حال مردم بوده و مفاسدی را به دنبال داشته باشد، بیان آن مطلب جایز نمی‌باشد. امام در اوائل انقلاب در پاسخ به سؤالی در باره حدود آزادی بیان می‌فرماید:

«اگر چنانچه مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد». (خمینی، 1361، 4، 259)

۳-۳. آزادی دین و مذهب

یکی دیگر از شاخه‌های آزادی سیاسی، آزادی مذهب است. این آزادی، هم شامل آزادی داشتن در پذیرفتن يك دین و مذهب می‌شود و هم آزادی ابراز مذهب یا معتقدات و انجام مراسم و فرایض دینی را شامل می‌شود.

نوع اول؛ «یعنی اینکه شخص بتواند آزادانه و به طور آشکار و یا در خفا معتقدات مذهبی خود را از راه بیان یا نوشته ابراز نماید و هیچ کس مانع آزادی او نشود و آن در این حد؛ یعنی در حد فکر و اندیشه، با آزادی عقیده و بیان فرق ندارد». (طباطبانی مؤتمنی، 1370، 95)

اما نوع دوم؛ «یعنی اینکه شخص بتواند مراسم و فرائض مذهب خود را به گونه‌ای که در شریعت آمده است، اجرا نماید و نظم خواسته شده را در بین افراد و جامعه برقرار سازد». (همان)

1- از نظر امام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی آزادی انجام فرائض مذهبی را دارا هستند. امام در آستانه پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در پاسخ به سؤالی در این باره می‌فرماید: «تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی

می‌توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند». (امام خمینی، 1361، 3، 75)

2- از دیدگاه امام، وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی است. حکومت اسلامی باید از حقوق آنان هم‌چون سایر شهروندان دفاع کند. امام در پاسخ به سؤال درباره آزادی اقلیت‌های مذهبی می‌فرماید: «اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند؛ بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند». (همان، 159)

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان [اقلیت‌های مذهبی] به بهترین وجه حفاظت کند». (همان، 75)

3- از نظر امام خمینی، برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه براساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی برخوردارند و در این زمینه، اقلیت‌های مذهبی نیز هم‌چون مسلمانان، از این حقوق برخوردارند. به عبارت دیگر؛ حقوق اجتماعی براساس مذهب، در جامعه توزیع نمی‌شود: «هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد». (همان، 159)

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید:

«اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی، آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم». (همان، 48)

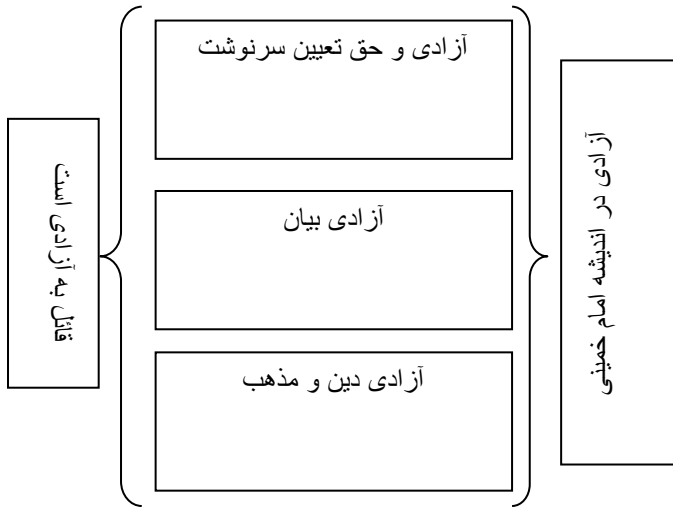
4- از نظر امام خمینی، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند آزادانه به مسائل خود پردازند و حق اظهار عقیده نیز دارند:

«اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست. آنان در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد، در اظهار عقیده آزادند». (همان، 33)

البته در بیان امام، اقلیت‌های مذهبی آزادی اظهار عقیده خود را دارند، نه آزادی خرابکاری. امام در پاسخ به سؤال درباره آزادی بیان عقیده برای اقلیت‌ها،

می‌فرماید:

«در حکومت اسلامی، همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده‌ای هستند ولیکن آزادی خراب‌کاری را ندارند». (همان، 100)



نمودار آزادی در اندیشه امام خمینی

۴. آزادی در اندیشه فارابی

به طور کلی با مراجعه به آثار ابو نصر محمد فارابی روشن می‌شود که اساساً «آزادی» دغدغه اصلی در منظومه فکری وی نبوده و در فلسفه سیاسی او از مقوله‌های محوری محسوب نمی‌شود. واضح است که این امر به معنای نادیده گرفتن این مقوله نیست. با مراجعه به آثار فارابی و مشاهده آثار او نمی‌توان حکم به «امتناع» قرائتی از آزادی در اندیشه‌های وی کرد، بالعکس آنچه مسلم است می‌توان حکم به مسأله نبودن آزادی در اندیشه او کرد. بر این اساس و با توجه به این نکته اساسی، بدون آن که آزادی را در آرای وی رها کنیم و یا آن را به طور مبالغه آمیزی برجسته سازیم، تلاش می‌کنیم مفهوم و برداشت مورد نظر فارابی را از آزادی سیاسی، بیان نماییم. به نظر می‌رسد که در یک بررسی کلی می‌توان برداشت فارابی از مفهوم آزادی سیاسی را در موارد زیر بیان کرد:

۱-۴. آزادي به عنوان اختيار

يکي از برداشت‌هايي که از آزادي صورت گرفته است آزادي به عنوان اختيار است. فارابي اجبار و اکراه انسان را در اعمال خویش نفي مي‌کند و معتقد است: مشکل بلکه غير ممکن است اگر انساني که بر حسب فطرت استعداد کاري را دارا باشد، کارهايي را انجام دهد که ضد [فطرت] اوست، ولي هر انساني که بر شکل و استعدادي خلق شده و به سمت کارهاي نیک يا پست هدايت شده است، مي‌تواند خلاف آن و کاري که ضد استعداد اوست، انجام دهد. (داوری اردکانی، 1389، 28)

بنابراین، روشن مي‌شود که آزادي به عنوان اختيار و عدم اجبار و اکراه در خلق و ايجاد افعال، مورد پذيرش فارابي است.

۲-۴. آزادي به عنوان فعل خير

فارابي افعال خير را افعالي مي‌دانند که در حد اعتدال قرار دارند. اعتدال و عدالت به معنای حد وسط بين دو حالت افراط و تفریط، از آموزه‌هايي است که در فلسفه سياسي فارابي بر آن تأکید شده است. وي آزادي را نیز به عنوان يکي از افعال خير به دنبال تعريف افعال خير ذکر مي‌کند:

کارهاي پس‌نديده همان کارهاي معتدل و ميانه است که در دو طرف آن شر قرار دارد، از یک طرف، افراط و از طرف ديگر، کاستي [تفریط] و آزادي حالي است میان تکبر و غرور و خود پسندي از یک سو و خساست و پستي از سوي ديگر. (همان)

بنابراین، حرّ کسي است که در اين حد اعتدال قرار دارد. اما سؤالي که مطرح مي‌شود اين است که آیا از نظر فارابي همه انسان‌ها داراي چنین حالت و خصلتي هستند؟ آیا مي‌توان حکم به برابري انسان‌ها در دارا بودن اين حالت و خصلت کرد؟ پاسخ فارابي به اين پرسش‌ها منفي است. فارابي نابرابري انسان‌ها را در اين زمينه باور دارد. وي انسان‌ها را به سه گروه «احرار، بهيميون و عبید بالطبع» تقسيم مي‌کند:

«و از مردم کساني داراي حسن نظر و اراده ثابت بر انجام نظر خود هستند که به اين افراد ما به سبب شايستگي عادتاً آزاده مي‌گوئيم و اگر اين دو خصيصه را نداشته باشند عادتاً او را «انسان حيواني» مي‌ناميم و اگر کسي فقط حسن نظر داشته و فاقد

ارادة ثابت باشد، او را «بردة طبيعي» مي ناميم». (فارابي، 1371، 60)

۳-۴. آزادي به عنوان خصلت شهروندان در مدينه

طرح آزادي سياسي اساساً به لسان فارابي در مدينه امکان پذير است. در اين وجه از آزادي است که رابطه فرد به عنوان شهروند جامعه سياسي با دولت و جامعه سياسي مورد توجه قرار مي گيرد و مصاديق آن تبين مي شود. از اين رو، براي طرح مفهوم آزادي سياسي از دیدگاه فارابي بايد به بحث اساسي او درباره مدينه و جامعه سياسي توجه کرد.

فارابي مدينه را به عنوان کوچک ترين واحد سياسي که توان برآوردن نيازهاي انسان ها را داراست، به دو دسته کلي تقسيم مي کند: مدينه فاضله و مدينه غير فاضله. در نگاهی گذرا به طرح مدينه فاضله ی وي، روشن مي شود که آراء و اندیشه هاي او در اين باره به صراحت و به گونه اي شفاف، آزادي سياسي را بر نمي تابد. وي خصلت اصلي شهروندان مدينه فاضله را «مرئوس بودن» مي داند و حق «رياست» را مخصوص رئيس اول مي داند. معيار اصلي وي در اين تقسيم بندي «نيازها» و نحوه تأمين اين نيازهاست. مرئوس در اندیشه فارابي کسي است که نياز به رياست شدن را داراست، در حالي که رئيس به دليل برخورداري از علوم و معارف، نيازي به ديگران ندارد و در نتیجه او رئيس علي الاطلاق است:

«کسي که توانايي برانگيختن افراد براي انجام کاري را نداشته باشد و يا فاقد توانايي انجام آن کار باشد و [تنها] توانايي انجام آنچه که به او ارشاد و راهنمايي مي شود را داراست، اصلاً رئيس نيست و هميشه مرئوس است و در هر امري تابع است». (فارابي، 1964، م، 78)

همان طوري که ملاحظه مي شود، شهروندان مدينه فاضله هميشه و در همه چيز مرئوس خواهند بود و حق دخالت در امور مربوط به رئيس اول را ندارند. حق انحصاري رئيس اول در رياست مطلقه اش نیز نشأت گرفته از بي نيازي وي به ارشاد ديگران و استغناي حاصل شده از نيل به علوم و معارف بالفعل است. فارابي رئيس اول را اين گونه توصيف مي کند:

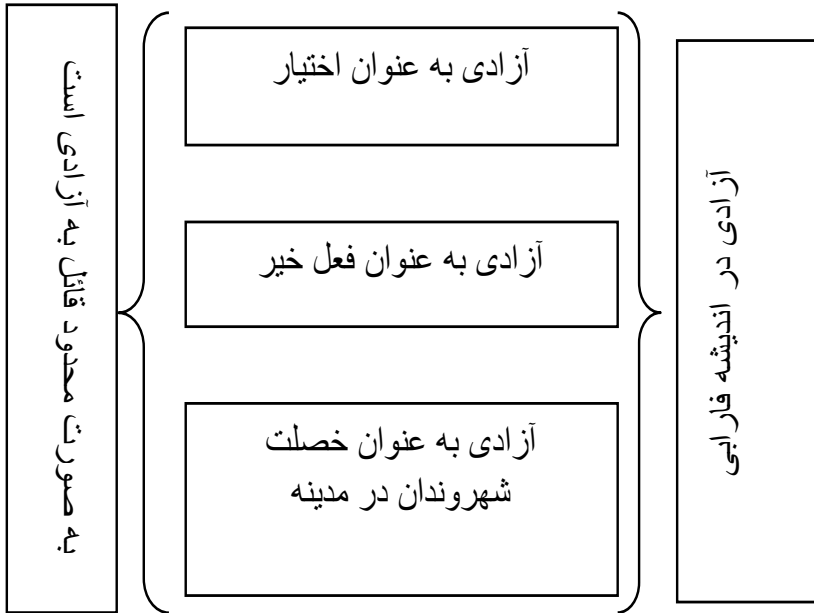
«رئیس اول، هیچ‌گونه نیازی در هیچ یک از امور به رئیس و ریاست شدن ندارد، بلکه همه علوم و معارف را بالفعل کسب کرده و هیچ احتیاجی هم برای راهنمایی به کسی ندارد». (همان، 79)

بنابراین در طرح مدینه فاضله فارابی طرح مفهوم آزادی سیاسی برای شهروندان امکان پذیر نیست؛ اما عدم امکان طرح مفهوم آزادی سیاسی در طرح مدینه فاضله به معنای عدم امکان طرح این مفهوم در طرح جامعه سیاسی وی به طور کلی نیست. او این مفهوم را به گونه‌ای خاص در مدینه «جماعیه» یکی از اقسام مدینه‌های غیر فاضله جاهلیه طرح می‌کند. در این مدینه، مفهوم حریت را به معنای انجام دادن آن‌چه که فرد می‌خواهد به کار می‌برد و در تعریف این مدینه می‌نویسد:

«مدینه جماعیه، مدینه‌ای است که در آن هر یک از اشخاص به خود واگذاشته شده‌اند و آزادند هرکاری که می‌خواهند انجام دهند و سنت آنان این است که هیچ انسانی بر انسان دیگر در تمام امور هیچ برتری ندارد و شهروندان آزادند تا هر کاری که می‌خواهند انجام دهند و هیچ سلطه‌ای برای یکی بر دیگری نیست حال چه [حاکم] از میان آنان باشد چه از غیر آنان». (همان، 99)

اگر این نظریه پذیرفته شود که از دیدگاه فارابی مدینه جماعیه پس از مدینه کرامیه دارای رجحان بیشتری نسبت به مدینه‌های غیر فاضله است، آن‌وقت شاید بتوان گفت که در آرای فارابی نیز رگه‌هایی از آزادی مردم در برابر یکدیگر و حاکمان وجود دارد. بدین سان می‌توان قرائتی از آزادی سیاسی را در آرا و اندیشه‌های وی به دست آورد.

با توجه به آنچه که گذشت روشن شد که آزادی در مجموع به طور کلی در آراء و اندیشه‌های سیاسی فارابی مطرح شده است. بنابراین، نوشتار حاضر درباره فلسفه سیاسی فارابی اثبات و تأیید می‌شود که اولاً، آزادی در فلسفه سیاسی فارابی، به عنوان مهم‌ترین فیلسوف سیاسی کلاسیک در حوزه شرق تمدن اسلامی، دغدغه و مسأله اساسی وی نبوده است؛ ثانیاً، این مطلب به معنای عدم امکان قرائت سیاسی از آزادی در آراء و اندیشه‌های سیاسی او نیست. می‌توان رگه‌هایی از برداشت‌های گوناگون فلسفی و سیاسی از آزادی را در آرای وی یافت و بر اساس آن، مفهوم آزادی



نمودار آزادی در اندیشه فارابی

۵. نتیجه گیری

1- مهمترین نقش مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه امام را می توان «ساختارسازی» دانست. مردم در تعیین ساختار مناسب برای حکومت اسلامی نقش اساسی دارند. محتوای این حکومت را قانون الهی تأمین کرده است. مشروعیت حکومت نیز الهی است.

2- از دیدگاه امام، حق رأی همگانی بوده و شامل تمامی اقشار و اصناف جامعه می شود؛ مردم از آزادی کامل در رأی دادن برخوردار می باشند و هیچ گونه فشار و تحمیلی در رأی دادن و رأی گیری جایز نیست. مردم باید براساس بینش و شناخت صحیح، در رأی گیری شرکت نمایند. هم چنین کسب آگاهی های لازم در رأی دادن ضرورت دارد.

3- از دیدگاه امام، «ضرر زدن» به منافع مردم، «توطئه» و «انتقام جویی»، از

مهم‌ترین موانع «آزادی بیان» شناخته می‌شود و حکومت اسلامی دارای چنان پایه‌های مستحکمی است که وجود آزادی بیان در صورتی که همراه با موارد مذکور نباشد، نه تنها باعث آسیب زدن به آن نمی‌شود؛ بلکه در راستای تقویت آن خواهد بود.

4- از نظر امام، آزادی تشکیل اجتماعات و مشارکت مردمی، از اهداف اساسی انقلاب می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران، آزادی فعالیت سیاسی اجتماعی را برای گروه‌ها و تشکل‌ها به ارمان آورده است؛ ولی مهم‌ترین مانع فعالیت گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، مشارکت در طرح براندازی و توطئه علیه نظام است.

5- از نظر امام، اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی، از آزادی کامل در انجام فرائض مذهبی خود برخوردار بوده و وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق آن‌ها است. اقلیتهای مذهبی آزادی اظهار عقیده خود را نیز دارا هستند؛ اما نه آزادی خرابکاری. از این رو، حفظ نظام در اینجا نیز از نظر امام، مهم‌ترین معیار رعایت و احترام به اصل آزادی فعالیتهای مذهبی آن‌هاست.

آزادی در اندیشه فارابی در سه مقوله مورد بررسی قرار گرفته است:

آزادی به عنوان اختیار: در آزادی بعنوان اختیار فارابی اجبار و اکراه انسان را در اعمال خویش نفی می‌کند و آزادی به عنوان عدم اکراه در خلق و ایجاد افعال را می‌پذیرد.

آزادی به عنوان فعل خیر: وی آزادی را نیز به عنوان یکی از افعال خیر ذکر می‌کند و می‌گوید: آزادی حالتی است میان تکبر و غرور و خود پسندی از یک سو و خساست و پستی از سوی دیگر و حرّ کسی است که در حد اعتدال از غرور و تکبر قرار دارد

آزادی به عنوان خصلت شهروندی در مدینه: طرح آزادی سیاسی اساساً به لسان فارابی در مدینه امکان پذیر است. فارابی مدینه را به عنوان کوچک‌ترین واحد سیاسی که توان برآوردن نیازهای انسان‌ها را داراست، به دو دسته کلی مدینه فاضله و مدینه غیر فاضله تقسیم می‌کند.

در نگاهی گذرا به طرح مدینه‌ی فاضله فارابی، روشن می‌شود که آراء و اندیشه‌های وی در این باره به صراحت و به گونه‌ای شفاف، آزادی سیاسی را بر نمی‌تابد. وی

خصلت اصلي شهروندان مدینه فاضله را «مرئوس بودن» می‌داند و حق «ریاست» را مخصوص رئیس اول می‌داند.

وی در مدینه جماعیه که یکی از اقسام مدینه غیر فاضله است مفهوم حریت را به معنای انجام دادن آن‌چه که فرد می‌خواهد به کار می‌برد. و در مدینه جماعیه در آرای فارابی رگه‌هایی از آزادی مردم در برابر یکدیگر و حاکمان وجود دارد.

۶. منابع و مآخذ

۱. بوشهری، جعفر، ۱۳۷۶، مسائل حقوقی اساسی، تهران، نشر دادگستر.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳، ترمینولوژی حقوق، تهران، ابن سینا، بنیاد راستاد.
۳. خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۱، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵، صحیفه امام، ج ۳، ۱۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۸۹، فارابی فیلسوف فرهنگ، تهران، سخن.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۶۴، لغت‌نامه، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه.
۷. رحیمی، مصطفی، ۱۳۵۷، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران، امیرکبیر.
۸. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۷۰، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.
۹. فارابی، ابو نصر محمد، ۱۳۷۱، التنبیه علی سبیل السعادة، تحقیق آل یاسین، سید جعفر، تهران، حکمت.
۱۰. فارابی، ابو نصر محمد، ۱۸۶۴ م، السياسة المدنية الملقب بمبادي الموجودات، تحقیق فوزی متری، نجار، بیروت، المطبعة الكاثولیکیه.
۱۱. کوهن، کارل، دموکراسی، ۱۳۷۴، ترجمه مجیدی، فریبرز، تهران، انتشارات

خوارزمی.

۱۲. منتظر قائم، مهدی، ۱۳۷۵، آزادی سیاسی در اسلام، تهران، مرکز تحقیقات
استراتژیک.

۱۳. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱،
تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

